

Realization of the right to development in the light of resistance economy from the perspective of jurisprudence and international documents

Mohammad Reza haqiqi¹, Faraj Allha Barati², Seyyed Hessemuddin Hosseini³

Abstract

Field and Aims:The sanctions imposed on Iran, especially the unilateral US sanctions on the economy, have encouraged policies to be adopted in order to maintain the economic structure, and the resistance economy is one of these policies. In recent years, this policy has formed the basis of planning in the field of economy. On the other hand, the issue of the right to development, which is mentioned in international documents and domestic documents, especially the five-year development plans, emphasizes on policies in order to realize the right to development. Therefore, it is a question whether it is possible to realize the right to development in the light of resistance economy.

Method:The present research was carried out using a descriptive analytical method.

Finding and Conclusion: The theoretical foundations of the resistance economy are based on the honor of Muslims, the respect of friendship with infidels, the avoidance of extravagance and waste, and the respect of being similar to infidels. Also, the rule of negation of domination and the rule of negation of qarar, the rule of negation of divorce and hardship (use wa harsh), the rule of preserving, the rule of governmental ruling, the rule of the more important and important, as well as the verse of the promise of Lahum Mastatam, Al-Mu'minin, when they are on their terms, as the bases for Analysis of resistance economy is significant. Regarding the resistance economy as a model of development, it should be said that the implementation of the resistance economy model requires conditions and situations such as popularizing the economy, empowering the private sector, reducing dependence on oil, developing knowledge-based companies, supporting national production, and fighting corruption. economic management of consumption, productivity, management of foreign exchange resources, activation of economic diplomacy, preservation of national unity and cohesion, localization of technology and endogenousness.

Keywords:right to development, resistance economy, international documents, development program, jurisprudence, unilateral sanctions.

*Citation (APA): haqiqi, M., Barati, F., Mir Ghasemi, S., Hosseini, S. (2022). Realization of the right to development in the light of resistance economy from the perspective of jurisprudence and international documents. *International Legal Research*, 15(55), 407-425.

https://alr.ctb.iau.ir/article_691841.html?lang=en

1. Doctoral student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. Email: Haghghi12@gmail.com

2. Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (Author). Email: Farajollah.barati@yahoo.com

3. Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. Email: shesamhosseini@yahoo.com

تحقق حق بر توسعه در پرتو اقتصاد مقاومتی از منظر فقه و اسناد بین‌المللی

محمد رضا حقیقی^۱، فرج‌الله براتی^۲، سید حسام‌الدین حسینی^۳

چکیده

زمینه و هدف: تحریم‌های اعمال شده بر ایران خصوصاً تحریم‌های یکجانبه آمریکا بر پیکره اقتصادی موجب گردیده تا برای حفظ ساختار اقتصادی، سیاست‌هایی اتخاذ شود که اقتصاد مقاومتی از جمله این سیاست‌ها می‌باشد. این سیاست در سال‌های اخیر مبنای برنامه‌ریزی‌ها در حوزه اقتصاد را تشکیل داده است. از سوی دیگر موضوع حق توسعه که در اسناد بین‌المللی و اسناد داخلی خصوصاً برنامه‌های پنج‌ساله توسعه آمده بر سیاست‌گذاری‌ها به‌منظور تحقق حق بر توسعه تأکید دارد. لذا این مسئله مطرح است که آیا در پرتو اقتصاد مقاومتی امکان تحقق حق بر توسعه وجود دارد؟

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: مبانی نظری اقتصاد مقاومتی مبتنی بر عزت مسلمین، حرمت دوستی با کفار، پرهیز از اسراف و تبذیر و حرمت تشبه به کفار استوار است. همچنین قاعده نفی سبیل و قاعده نفی غرر، قاعده نفی عسر و حرج، قاعده حفظ اسلام، قاعده لزوم اعداد و ارقام، قاعده حکم حکومتی، قاعده اهم و مهم و همچنین آیه و اعدو لهم ماستطعم من قوه، المومنون عند شروطهم، به‌عنوان مبانی برای تحلیل اقتصاد مقاومتی قابل توجه می‌باشد. در مورد اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک الگوی توسعه، باید گفت که اجرای الگوی اقتصاد مقاومتی نیازمند شرایط و وضعیت‌هایی است از جمله مردمی کردن اقتصاد، توانمندسازی بخش خصوصی، کاهش وابستگی به نفت، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، حمایت از تولید ملی، مبارزه با مفاسد اقتصادی، مدیریت مصرف، بهره‌وری، مدیریت منابع ارزی، فعال کردن دیپلماسی اقتصادی، حفظ وحدت و انسجام ملی، بومی‌سازی فناوری و درون‌زا بودن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حق بر توسعه، اقتصاد مقاومتی، اسناد بین‌المللی، برنامه توسعه، فقه، تحریم‌های یک‌جانبه.

* استناددهی (APA): حقیقی، محمد رضا؛ براتی، فرج‌الله؛ حسینی، سید حسام‌الدین. (۱۴۰۱). تحقق حق بر توسعه در پرتو اقتصاد مقاومتی از منظر فقه و اسناد بین‌المللی. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۵(۵۵)، ۴۰۷-۴۲۵.

https://alr.ctb.iau.ir/article_691841.html?lang=fa

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

رایانامه: Haghghi12@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: Farajollah.barati@yahoo.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

رایانامه: shesamhosseini@yahoo.com

مقدمه

تئوری‌های متعددی مبانی اقتصاد را تشکیل داده است که یکی از آن‌ها نظریه وابستگی متقابل است. نظریه وابستگی متقابل در دهه ۷۰ توسط نای و کوهن مطرح شد. نظرات آن‌ها در واقع نقدی بر نظریات رئالیستی بود. وابستگی متقابل به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن بین کشورها یا بازیگران داخلی کشورهای مختلف تأثیرگذاری متقابل وجود دارد. (آجیلی، ۱۳۹۲: ۸۹) روند جهانی شدن منجر شده تا همکاری اقتصادی دولت‌ها، بر اساس دستاوردهای مطلق با وجود امکان انتفاع طرف‌ها موجب انتفاع کلیه طرف‌های همکاری شود. اگر اقتصاد کشورها به چنین بنیانهایی متکی باشد، تضمین مؤثرتری برای صلح وجود دارد. در این دیدگاه جنگ و افزایش هزینه‌های نظامی مانعی در برابر جاه‌طلبی تلقی می‌شود و حکومت باید حتی‌الامکان از ورود به چنین اوضاعی خودداری کند. (قنبر لو، ۱۳۸۵: ۴) با این حال طی چند دهه اخیر، نظام بین‌الملل شاهد آغاز دوران جدیدی با عنوان جهانی شدن می‌باشد، که علاوه بر اینکه حاکمیت دولت‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است، موجب ظهور بازیگران جدید در عرصه جهانی نیز شده است. که بر اقتصاد جهانی حاکم شده‌اند. واکنش دولت‌ها به روند جهانی شدن متفاوت بوده است. این روند بر مبنای شرایط کشورها ضرورت اتخاذ سیاست‌های خاصی را طلب می‌نمود که در ایران با توجه به اوضاع تحریم شاهد شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی هستیم.

بهترین و مناسب‌ترین تعریفی که می‌توان از اقتصاد مقاومتی ارائه کرد یک اقتصاد تاب‌آور و پایدار است. به عبارت دیگر هر دو مفهوم تاب‌وری و تاب‌آوری مفاهیمی هستند که در قالب واژه اقتصاد مقاومتی تجمیع یافته‌اند. لذا بر این اساس می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که ظرفیت مقابله با نا اطمینانی‌ها و تکانه‌های داخلی و خارجی، اعم از تکانه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بلایای طبیعی را در خود ایجاد کرده است و می‌تواند تحت وقوع شرایط دشوار، به روند رشد و شکوفایی خود در حد قابل قبولی ادامه داده و به سرعت به سوی تعادل پایدار اولیه بازگردد. (نوفرستی، ۱۳۹۵: ۱۶۰) در واقع اقتصاد مقاومتی در مقابل اقتصاد منزوی قرار دارد، اقتصاد مقاومتی از ویژگی استقلال و خودکفایی بهره‌مند است و تلاش می‌کند آسیب‌پذیری خود را به حداقل برساند و همچنین این اقتصاد، اقتصادی است که در تعامل با سایر اقتصادها قرار دارد، بدین معنی که این اقتصاد یک اقتصاد منزوی و بسته نیست. در این بین اسناد بین‌المللی و داخلی بر ضرورت توسعه تأکید دارند و لذا این سؤال مطرح است که آیا در پرتو اقتصاد مقاومتی دستیابی به توسعه امکان‌پذیر است؟

۱. حق بر توسعه در اسناد بین‌المللی

در اسناد بین‌المللی خصوصاً اسناد حقوق بشری به موضوع توسعه به عنوان یک حق برای افراد و یک تکلیف برای دولت‌ها در ایجاد زمینه‌های آن اشاره شده است. همچنین حق توسعه امروزه

به‌عنوان یک حق بشری مورد توجه جامعه جهانی بوده و اهمیت آن در برنامه‌ها و دستور کارهای شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد نیز مشهود است. به‌علاوه دولت‌ها با امضاء اعلامیه‌ی حق توسعه، ضمن به رسمیت شناختن این حق، خود را مکلف نموده‌اند تا تلاش‌های لازم را برای تحقق اهداف مندرج در این سند لحاظ نمایند.

تردیدی نیست که حق توسعه از یک وظیفه اخلاقی نشأت گرفته است که ملت‌های توسعه‌یافته در قبال کشورهای توسعه‌نیافته دارند. یکی از پاپ‌های کاتولیک معتقد است، اصل تعاون و همکاری، همه افراد بشر را به صورت یک واحد درمی‌آورد؛ آن‌ها را یک خانواده می‌کند. این اصل تکلیفی بر کشورهای توسعه‌یافته تحمیل می‌کند تا نسبت به ریشه‌کنی فقر در کشورهای درحال توسعه و دیگر افراد بشر اقدام نمایند. مدارکی در سازمان ملل وجود دارد که یک ویژگی اخلاقی، حقوقی و یا شبه حقوقی به توسعه می‌دهد. در مقدمه منشور سازمان ملل آمده است که بشریت به دنبال صلح و توسعه است و این به نفع انسان‌هاست که حقوق بین‌الملل اقدامات دولت‌ها را با وظیفه تحمیل همکاری تنظیم و هدایت کند. «وظیفه تعاون» منبع اساسی حق توسعه است. (راعی، ۱۳۸۰: ۵)

ماده (۱) اعلامیه به این موضوع اشاره دارد که: «حق توسعه از حقوق بشری است که نمی‌توان آن را از انسان گرفت و به‌موجب آن هر انسانی حق دارد در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشارکت داشته باشد و براین اساس حقوق و آزادی‌های اساسی او محقق خواهد شد». بر این اساس، حق توسعه، یک مفهوم حقوق بشری نسبتاً جدید است. محتوا، ماهیت و وضعیت آن هنوز محل مباحثه بوده و در خصوص آن اتفاق نظر وجود ندارد. اما می‌توان موارد زیر را به‌عنوان عناصر اصلی تشکیل‌دهنده حق بر توسعه بیان نمود:

الف) انسان در مرکز توسعه قرار دارد. ب) روند توسعه باید به همه حقوق بشر، از جمله حقوق مشارکت، احترام بگذارد. ج) توسعه باید عدالت اجتماعی را ارتقا بخشد. د) دولت‌ها مسئولیت اصلی تحقق حق توسعه را از طریق تدوین سیاست‌های مناسب ملی و همکاری‌های بین‌المللی بر عهده‌دارند. (اگوس^۱، ۲۰۰۴: ۵).

نقطه شروع درک حق توسعه، این است که این حق، یک حق انسانی و جهان‌شمول است که به‌موازات همه حقوق دیگر بشر می‌باشد. واژه‌پردازی سند، نشان می‌دهد که حق توسعه هم حق فردی است و هم حق جمعی. به‌عبارت‌دیگر رویکرد اعلامیه به توسعه یک رویکرد مردم‌محور است که در ماده (۲) اعلامیه به‌صراحت به آن اشاره شده است، بدین معنا که این امر در مورد همه مردم، در همه کشورها، بدون تبعیض اعمال می‌گردد.

1. Ogus

بی‌تردید تحقق اهداف حق توسعه باید با لحاظ مؤلفه‌هایی صورت گیرد که مطابق با استانداردهای حقوق بشری باشد. (اندریسن، ۲۰۱۰: ۳۲۰) بر این مبنا اعلامیه بر مشارکت شهروندان در فرآیند توسعه اشاره می‌کند و آن‌هم به مشارکتی از جنس آزاد، هدفمند و فعال که در نهایت منجر به بهبود رفاه مستمر آنان شود.

آنچه در خصوص حق توسعه امروزه چالش‌برانگیز است بعد اجرایی آن می‌باشد. بند (۱) ماده (۳) اعلامیه حق توسعه بر این نکته تأکید دارد که دولت‌ها مسئولیت اولیه احترام، حمایت و تحقق حقوق بشر، از جمله ایجاد شرایط ملی و بین‌المللی مطلوب برای تحقق حق توسعه را بر عهده دارند. بنابراین حق توسعه به‌عنوان یک حقوق نرم بر اقدامات دولت‌ها در تدوین سیاست‌های توسعه در بعد ملی و همچنین همکاری‌های آنان در بعد بین‌المللی با سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تمرکز دارد. در بعد ملی، تدوین سیاست‌ها باید در راستای مشارکت فعال همه شهروندان در فرآیند توسعه باشد و تنها تکلیف شهروندان این است که همگان باید از یک نظم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مناسب در این خصوص حمایت نموده و در جهت ارتقاء آن تلاش کنند. (آرتس و تامو^۱، ۲۰۱۶: ۲).

بر این اساس و مطابق با مفاد اعلامیه حق توسعه دولت‌ها در راستای اجرای اهداف این اعلامیه وظیفه دارند به: الف) تدوین سیاست‌های توسعه مناسب در بعد ملی (بند (۳) ماده (۲))؛ ب) انجام تمام اقدامات لازم در سطح ملی برای تحقق حق توسعه (بند (۱) ماده (۸))؛ ج) گام‌های فردی و جمعی برای تنظیم سیاست‌های بین‌المللی توسعه (بند (۱) ماده (۴))؛ د) تشویق به رعایت و تحقق حقوق بشر و همکاری برای این منظور (بند (۳) ماده (۳) و بند (۱) ماده (۶))؛ ه) انجام اقدامات لازم جهت رفع موانع توسعه (بند (۳) ماده (۶))؛ م) تشویق به مشارکت مردمی در همه حوزه‌ها به‌عنوان یک عامل مهم در توسعه و تحقق کامل حقوق بشر (بند (۲) ماده (۸)).

همچنین از جمله موارد مندرج در اعلامیه حق توسعه، موضوع توسعه انسانی است که در آن انسان به‌عنوان هدف اصلی این سند مستحق برخورداری از تمامی آن‌ها معرفی شده است. در این خصوص رشد و توسعه اقتصادی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و به‌طور سنتی و تاریخی نیز توسعه را با رشد و توسعه اقتصادی می‌سنجیدند. اگرچه در فرآیند حق توسعه تنها رشد اقتصادی مدنظر نیست بلکه در کنار آن تحقق کامل همه حقوق بشر مدنظر است؛ با این وصف اهمیت رشد و توسعه اقتصادی از سایر مؤلفه‌های حق توسعه بیشتر است.

در حقیقت توسعه انسانی، فرآیند بسط انتخاب‌های مردم است. مردم از قابلیت‌های موجود خود به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به خواسته‌های مطلوبشان استفاده می‌کنند. در این فرآیند، قابلیت‌های

1. Arts and Tamo

انسانی، خود وسیله‌ای برای خدمت به مردم است، در نتیجه انسان، هم وسیله‌ی توسعه و هم هدف آن به شمار می‌آید. (طرح پژوهشی توسط دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۹۳، ۱۹).

اما رشد و توسعه اقتصادی بدون بهبود در توسعه انسانی استمرار نمی‌یابد و توسعه انسانی پیش‌نیاز رشد پایدار بلندمدت است، هر کشور برای حرکت در مسیر رشد اقتصادی به یک آستانه توسعه انسانی نیاز دارد. بر این اساس رابطه‌ای بسیار قوی بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی وجود دارد. از یک سو رشد اقتصادی منابع لازم در جهت بهبود توسعه انسانی پایدار را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، افزایش در توسعه انسانی و بهبود در آن عامل مهمی در رشد اقتصادی است. در واقع قابلیت‌های انسانی نقش مهمی در خروج از رکود و رفتن به سمت رشد اقتصادی ایفا می‌کند. گزارش توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل متحد استدلال می‌کند که اگر اعمال عمومی به سوی بهبود مشکلات رشد سوق داده شود رشد اقتصادی می‌تواند توسعه اقتصادی را ترقی دهد. بدین ترتیب نظریه‌های نوین رشد معتقدند که رشد و توسعه اقتصادی نمی‌تواند بدون توسعه منابع انسانی به مسیری مطلوب برسد. (حیدری و کرمی، ۱۳۹۴: ۱۲) همانند سایر حقوق بشر، حق بر توسعه نیز حاوی حقوقی خاص است، از جمله حق بر مشارکت و منتفع شدن از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. حق بر مشارکت در ماده (۲) این اعلامیه بر «مشارکت فعال، آزاد و معنادار» افراد و جمعیت در حال توسعه تأکید دارد.

امروزه مفاهیم مربوط به حق بر توسعه موجب تغییر در ساختار حکومت‌ها نیز گردیده است. همه این جنبه‌ها و همچنین هدف کلی کار در جهت دستیابی به حکمرانی مطلوب و ساختارهای دموکراتیک در کشورها مورد توجه قرار گرفته است. (کیشمایر و دیگران^۱، ۲۰۰۸: ۹)

اگرچه عوامل متعددی در پیشرفت و توسعه نقش دارند، اما مدیریت خوب همیشه به‌عنوان ابزاری مهم برای پیشرفت و توسعه پایدار شناخته شده است. به‌علاوه حکمرانی مطلوب ابزاری است که می‌تواند بهترین برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را در جهت نیل به تحقق حق بر توسعه انجام دهد. حکمرانی مطلوب، پاسخگویی، شفافیت، کارایی و حاکمیت قانون را ارتقاء می‌دهد و به مدیریت کارآمد منابع انسانی، طبیعی، اقتصادی و مالی برای توسعه عادلانه و پایدار، و تضمین مشارکت جامعه مدنی در فرآیندهای تصمیم‌گیری کمک می‌نماید. حکومت مطلوب و توسعه پایدار دو مفهومی هستند که باهم گره خورده‌اند. حکومت مطلوب تضمین توسعه پایدار نیست. اما فقدان آن به شدت آن را محدود کرده و در بدترین حالت می‌تواند مانع آن شود. (کاردوس^۲، ۲۰۱۲: ۱۱۶۶).

برنامه‌ریزی برای تحقق حق بر توسعه در سطح ملی باید از طریق فرآیند مشورتی، شفاف، پاسخگو، تصمیم‌گیری غیرمتمرکز، مشارکت کامل و مؤثر همه ذینفع‌ها و توانمندسازی آن‌ها برای

1. Kirchmeier & et al
2. Kardos

بهره‌مندی از حقوقشان، صورت گیرد. در این برنامه باید فرصت‌های برابر در دستیابی به منابع و توزیع عادلانه منافع و احترام کامل به حقوق بشر پیش‌بینی شود. این فرآیند باید رضایت‌بخش و دموکراتیک باشد. (E/CN.4/1999/WG.18/2, paras 73-74)

با این وصف می‌توان گفت مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب موجب اجرای بهتر حق بر توسعه خواهد شد. عواملی مانند مبارزه با فساد، شفافیت و پاسخگویی، احترام، اجرا و تضمین حقوق بشر و... می‌تواند زمینه‌های تحقق توسعه پایدار را فراهم کرده و موانع آن را از میان بردارد.

به علاوه حکمرانی مطلوب در چارچوب ارزش‌های پایه‌ای خود می‌تواند به تحقق حق بر توسعه و اهداف توسعه هزاره کمک نماید. دستیابی به اهداف توسعه هزاره مستلزم یک چارچوب سیاستی جامع، منابع کافی و ظرفیت نهادی است و گام اول این است که تحقق اهداف توسعه هزاره در هر کشوری در متن برنامه‌های توسعه‌ای قرار گیرد. گام دوم این است که اهداف توسعه هزاره را بومی‌سازی نمایند. (حبیب‌زاده و سیفی، ۱۳۹۲: ۳۰)

اهداف توسعه هزاره مجموعه اهدافی هستند در مورد متغیرهای خاص توسعه انسانی که در منشور هزاره مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ میلادی تصویب شد. این گزارش تلاش می‌کند تا اهداف توسعه هزاره را به مفهوم حکمرانی ربط دهد و کشورهای پیشرفته و در حال توسعه را متعهد می‌سازد تا همه تلاش خود را برای رفع فقر، افزایش شرافت انسانی و مساوات، دستیابی به صلح و دموکراسی و پایداری در حفظ محیط‌زیست بکار برند. (براداران شرکاء، ۱۳۸۶: ۲-۳)

نتیجه آنکه هر سه نسل حقوق بشر به نحوی در صدد تکمیل و حمایت از یکدیگر و ایجاد بسترهای اجرای مفاد اسناد هستند. حقوق بشر نسل اول به دنبال عدم دخالت و جلوگیری از ایجاد محدودیت و آزادی افراد توسط دولت‌هاست. حقوق بشر نسل دوم به دنبال الزام دولت‌ها به دخالت به منظور ایجاد بسترهای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و حقوق بشر نسل سوم در پی مشارکت افراد با دولت‌ها برای تحقق فرآیند توسعه است. بنابراین محدوده دخالت دولت مشخص است در واقع دولت باید تا جایی دخالت نماید که مطمئن شود شرایط حضور مردم به‌عنوان بخش خصوصی در جامعه ایجاد شده است. در اینکه دولت برای ایجاد نظم باید قانون وضع نماید هیچ تردیدی نیست اما آنچه دولت باید از آن پرهیز کند کنترل و برنامه‌ریزی برای اموری است که مربوط به مردم است. برنامه‌ریزی در این امور به معنای ترویج یک زندگی دستوری است. یکی از مهم‌ترین بسترهایی که مردم باید بدون دخالت دولت به فعالیت پردازند حوزه اقتصاد است. بازار به‌طور سنتی همواره در دست مردم بوده است و مردم این فرصت را داشته‌اند تا با حضور در بازار ضمن رونق دادوستد و توسعه اقتصادی، امکان رشد و پیشرفت خود را نیز فراهم کنند.

۲. مبانی نظری و جایگاه اقتصاد مقاومتی در نظام حقوقی ایران

در این بخش و برای تبیین بهتر موضوع، به بررسی مبانی اقتصاد مقاومتی از منظر فقه اسلامی و همچنین قوانین جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

۲-۱. مبانی نظری اقتصاد مقاومتی

اقتصاد در لغت به معنای اعتدال و میانه‌روی است و آنچه در شناسه آمده اصطلاحی در علم اقتصاد است. (معین، ۱۳۶۱: ۴۴) اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» اولین بار از سوی مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹، به ادبیات اقتصادی کشور وارد شده است. هرچند ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در اواخر سال ۱۳۹۲ و سخنرانی‌های بعدی مقام معظم رهبری این مفهوم را روشن‌تر کرد، ولی هنوز چارچوب مدوئی برای تفسیر اقتصاد مقاومتی ارائه نشده است. در واقع مفهوم اقتصاد مقاومتی در واکنش به فشارهای اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی کشورمان، مطرح شد. اگرچه بین این مفهوم و مفاهیم استقلال اقتصادی و خودکفایی مشترکاتی وجود دارد لیکن با دقت در شرایط اجتماعی و سیاسی دوره وضع این اصطلاح، مفهومی متفاوت از آن فهمیده می‌شود.

از نظر ایشان اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دولتی نیست، بلکه مردم بنیاد است و با اراده، سرمایه و حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. اما منظور از آنکه دولتی نیست بدین معنا نیست که دولت در قبال آن هیچگونه مسئولیتی ندارد. مسئولیت‌های دولت عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی، آماده‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک و به عبارت کلی آماده‌سازی شرایط برای تحقق اقتصاد مقاومتی. (شیخ ابو مسعودی، ۱۳۹۵: ۶۹) در ابتدای بند (۱) نیز مقرر شده است که «تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی»، که تأمین این شرایط و فراهم ساختن امکانات و منابع بر عهده دولت است. دولت از این طریق باید از تمام استعدادها و ظرفیت‌های مردم در جهت تولید ثروت و دستیابی به استقلال و امنیت اقتصادی استفاده کند. (میر معزی، ۱۳۹۱: ۵۲)

در بند (۶) سیاست‌های کلی، به حمایت از تولید ملی و کالای داخلی اشاره و مقرر شده است: «افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی باهدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص». مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است. حمایت از تولید ملی، آن بخش درون‌زای اقتصاد ماست». همچنین بند (۲) سیاست‌های کلی در خصوص اقتصاد دانش‌بنیان بوده و مقرر می‌دارد: «پیشسازی اقتصاد دانش‌بنیان و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه است». از مؤلفه‌های سازنده اقتصاد مقاومتی، مسئله دانش‌محوری است.

موضوع فساد نیز امر دیگری است که در مبانی نظری اقتصاد مقاومتی جای دارد. امروزه فساد در اغلب کشورها موجب آسیب‌رسانی جدی به توسعه و پیشرفت شده و در کشورهای در حال توسعه اهمیت مهار و کنترل آن کاملاً برای سیاستمداران و مردم آن‌ها آشکار شده است. فساد، مانع رشد رقابت سالم و باعث عقب‌راندن تلاش‌ها در جهت کاهش فقر و بی‌عدالتی اجتماعی می‌شود، بدین شکل که، فساد مالی فعالیت‌های اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت‌ها سوق می‌دهد و موجب پرورش مافیا و انحصار اقتصادی در نهادهای قدرت می‌شود. متعاقباً انحصارطلبی و رانت‌خواری، این نهادها را فاسد می‌کند و این سیستم آلوده به فساد به همه بخش‌های زندگی از جمله محیط‌زیست و همچنین رفاه مردم نفوذ می‌کند، نابرابری‌ها را افزایش می‌دهد و رشد و توسعه اقتصادی را متوقف می‌سازد. (پژوهنده، ۱۳۹۴: ۲۰۳) در بند (۱۹) سیاست‌های کلی نیز مقرر شده است: «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و...».

عدالت اجتماعی نیز از دیگر محورهای مبانی نظری اقتصاد مقاومتی می‌باشد که در انتهای بند (۴) سیاست‌ها به «ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی» اشاره شده است و نمود آن را می‌توان در بندهای متعدد سند مشاهده کرد، مانند تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط (بند ۱) سهم بری عادلانه عوامل، در زنجیره تولید تا مصرف، متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش (بند ۵) تأمین امنیت غذا (بند ۷) موارد مذکور همگی ناظر بر نهاد عدالت اجتماعی‌اند.

پیرامون ارتباط اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار نیز می‌توان گفت، میان سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار شباهت‌های بسیاری وجود دارد. این شباهت‌ها بدین معنا نیست که لزوماً نصوص هر دو سند یکسان باشد، بلکه اهداف این دو سند در موارد ذیل به هم شباهت دارد. (شیروی و خداپرست، ۱۳۹۸: ۲۶۰) در عین حال تفاوت‌هایی نیز میان این دو سند وجود دارد. برخی از این تفاوت‌ها این است که بعضی از موضوعات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به هیچ‌وجه در سند توسعه پایدار مورد اشاره قرار نگرفته است و برخی، دیگر تفاوت‌هایی هستند که هر دو سند، در موضوع با یکدیگر یکسان‌اند؛ اما مهم‌ترین تفاوت، ایدئولوژی و فرهنگ متفاوت این اسناد در رسیدن به اهداف پیشرفت و توسعه است. برخلاف اقتصاد مقاومتی، فرهنگ معنوی و بومی و لزوم ارتباط آن با مقوله اقتصاد در سند توسعه پایدار مشاهده نمی‌شود. اقتصاد و توسعه، جزئی از فرهنگ و تحت تأثیر آن است و نمی‌توان این دو را برخلاف تدوین‌کنندگان سند توسعه پایدار از یکدیگر منفک دانست.

۲-۲. اقتصاد مقاومتی از منظر فقه

نظریه اقتصاد مقاومتی که سعی دارد اصول و شاکله اصلی اقتصاد کشور را شکل دهد و امروزه توسط ولی‌فقیه جامعه اسلامی مطرح شده است، مبتنی بر مبانی نورانی فقه اسلامی و قواعد فقهی

مختلف و آیات قران کریم و روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام و مکتب اقتصاد اسلامی می باشد که تأکید بسیار دقیقی بر نیروها و توان درونی جامعه اسلامی دارد و در رویارویی و تقابل با اقتصاد سرمایه داری لیبرال و اقتصاد وابسته و مصرف قرار می گیرد، و می تواند راه حل خوبی در کوتاه مدت برای از بین بردن بحران ها و در درازمدت، راه مناسبی است برای تقویت بنیه های اقتصادی جامعه اسلامی باشد. با تکیه بر آن می توان از مشکلات عصر حاضر رهایی یافت. (روشن نیا، ۱۳۹۳: ۱۱) در خصوص اقتصاد مقاومتی باید گفت که این اقتصاد محصول اقتصاد اسلامی است. هدف عالی یا اصلی نظام اقتصاد اسلامی در سطح کلان افزایش ثروت جامعه و به تبع آن ثروت افراد جامعه و "رفاه عمومی" در چارچوب تعالیم دینی است. در این موضوع که افزایش ثروت و رفاه، هدف همه نظام های اقتصادی است تردیدی نیست. البته ابزار تحقق این هدف علم و تکنیک های اقتصادی است. تفاوت نظام ها در امور اقتصادی به هدف غایی آن ها مربوط می شود. هدف غایی هم در چارچوب مکتب اقتصاد تعیین می گردد. همه مکاتب هم، علاوه بر هدف اصلی افزایش رفاه، هدف غایی دارند. لذا باید گفت اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست. زیرا از طرفی اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت ها و قابلیت های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را تواما دارد.

علم اقتصاد حاصل مطالعات بشر و نیز تجربیات او در طول تاریخ است که تاریخ شامل حوادث و بحران ها هم بوده است. علم اقتصاد با تغییر شرایط بخصوص در شرایط بحران ها و شداید قابلیت انعطاف دارد. و با تغییر الگوها و سیاست ها و... می تواند در مقابل بحران ها و حوادث و مشکلات اقتصادی تغییر روش داده و اصلاح برنامه کند و یا برنامه ریزی جدید نماید. در خود «علم اقتصاد» و «برنامه ریزی اقتصادی» مفهوم و عمل مقاومت به معنی بهینه یابی در هر شرایطی نهفته است. بخشی از این قابلیت انعطاف را گاهی «فترت اقتصادی» گفته اند. به این معنی که در اقتصادها این قابلیت وجود دارد تا آسیب های وارده بر اقتصاد ناشی از شوک ها را ترمیم و تا حدودی به حالت قبل برگرداند. حتی برخی این قابلیت را موردسنجش قرار داده و اندازه گیری کرده اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۳۴) نظر اسلام در مورد اقتصاد بر یک اصل فلسفی مبتنی است اینکه زمین و منابع اولیه آن برای بشر و فعالیت و بهره برداری انسان آفریده شده است: «ولقد مکنناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معایش قلیلاً ما تشکرون: و همانا شما را در زمین ما و دادیم و در آن برای شما روزی ها قرار دادیم و چه کم شکرگزاری می کنید».

برای درک بهتر مفهوم اقتصاد مقاومتی نگاهی به جایگاه اقتصاد مقاومتی در قرآن مجید می اندازیم. اقتصاد اسلامی برخلاف اقتصاد غربی، بر قناعت و پرهیز از مصرف گرایی تأکید دارد. اقتصاد غربی نیازهای انسان را نامحدود و منابع و امکانات جهان را محدود می داند، درحالی که در اسلام، منابع و امکانات نامحدود معرفی شده اند «وَإِنْ تَعَدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» (ابراهیم: ۳۴)

اسلام مسئله اقتصاد را (بر اساس اصالت انسان) به‌عنوان جزئی از مجموعه قوانین خود که تنها می‌تواند قسمتی از نواحی حیات انسانی را تنظیم کند، مورد توجه قرار داده و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم می‌داند، «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶). همچنین آیات دیگری نیز به موضوع اقتصاد مقاومتی استناد کرده‌اند از جمله: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» (نسا: ۱۴۱). که در اینجا کلمه قوه عام است فقط شامل نیروی نظامی نیست، بلکه نیروهای سیاسی و اقتصادی را نیز شامل می‌شود چه آنکه قدرت اقتصادی برتر یکی از دو طرف جنگ، در سرنوشت جنگ سرد یا گرم، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. پس می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک راهبرد در نظام اقتصادی مطرح است مقاومت به‌مثابه یک افزونه و صفت به معنای عمل یا عکس‌العمل مناسب مقابله در شرایط بروز ناملازمات، حوادث، بحران یا تحمل سختی‌ها و استقامت در مسیر رسیدن به هدف است. از سوی دیگر مقاومت و استقامت برای دستیابی به اهداف به‌ویژه در سختی‌ها و بحران‌ها از دستورها و توصیه‌های مؤکد خداوند و دین اسلام است در این نظام اقتصادی، اقتصاد مقاومتی علاوه بر ابزارهای علمی و برنامه‌ریزی اقتصادی از ظرفیت‌های اعتقادی و ارزشی نیز بهره گرفته می‌شود.

همچنین مبانی نظری اقتصاد مقاومتی مبتنی بر عزت مسلمین، حرمت دوستی با کفار، پرهیز از اسراف و تبذیر و حرمت تشبه به کفار استوار است. همچنین قاعده نفی سیل و قاعده نفی غرر، قاعده نفی عسر و حرج، قاعده حفظ اسلام، قاعده لزوم اعداد و ارباب، قاعده حکم حکومتی، قاعده اهم و مهم و همچنین آیه و اعدو لهم ما استطعتم من قوه، المومنون عند شروطهم، به‌عنوان مبانی برای تحلیل اقتصاد مقاومتی قابل توجه می‌باشد.

۲-۳. اقتصاد مقاومتی از منظر قانون ایران

اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راهبردی بنیادی در جهت تغییر ریل‌گذاری حرکت اقتصادی کشور توسط رهبر معظم انقلاب ابلاغ شده است. اعمال تحریم‌های ظالمانه‌ی یکجانبه‌ی غیرقانونی نظام سلطه به‌منظور وارد آوردن فشار به انقلاب اسلامی که محدودیت‌هایی برای توسعه اقتصادی کشور ایجاد کرده است، از یک سو و لزوم به‌هم‌پیوستگی و رابطه‌ی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با حوزه‌های تخصصی حقوق عمومی در راستای تحقق رشد و عدالت اجتماعی و اقتصادی، ایجاد رفاه و پویایی مبتنی بر تولید و اشتغال و اتکای ملی از سوی دیگر، ضرورت بررسی الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی را مبرهن می‌نماید.

اجرای کردن و تلاش برای تحقق بخشیدن به اهداف اصول ۴۳، ۴۴، ۴۸ و ۵۰ قانون اساسی، نیز از الزامات قانونی اقتصاد مقاومتی می‌باشد. در اصل ۴۳ قانون اساسی حقوق اقتصادی ملت در ۵ بند اول این اصل و در ۴ بند بعدی الزامات استقلال اقتصادی کشور، مورد اشاره قرار گرفته است.

در اصل ۴۴، نیز به تقسیم اقتصاد کشور به سه حوزه‌ی دولتی، خصوصی و تعاونی پرداخته شده است، که زوایای پنهان آن به خوبی در سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴، توسط مقام معظم رهبری آشکار شده است. همچنین در اصل ۴۸، عدالت اقتصادی در استفاده از منابع معدنی و زیرزمینی و فعالیت‌های اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است. نهایتاً در اصل ۵۰ قانون اساسی تأکید بر حفاظت از محیط‌زیست در همه‌ی جوانب مخصوصاً فعالیت‌های اقتصادی و حفظ این موهبت الهی برای نسل‌های بعد شده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تأکید شده است که اقتصاد ایران باید به مرحله خودبستگی و استقلال برسد و از وابستگی‌های یابد. اصل چهل و سوم قانون اساسی، اصلی است که در راستای تبیین اصول اقتصادی کشور است و در طی بندهایی استقلال اقتصادی را نیز تبیین می‌کند: بند نهم از این اصل به وابسته بودن اقتصاد ایران اشاره می‌کند و تأکید دارد که اقتصاد ایران باید به مرحله خودبستگی و استقلال برسد و از وابستگی‌های یابد. راه‌حل قانون اساسی در این مورد، افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی مطابق با نیازهای عمومی است.

در خصوص سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در راستای اقتصاد مقاومتی باید گفت؛ اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راهبردی بنیادی در جهت تغییر ریل‌گذاری حرکت اقتصادی کشور توسط رهبر معظم انقلاب ابلاغ شده است. اعمال تحریم‌های ظالمانه یکجانبه، غیرقانونی نظام سلطه به‌منظور وارد آوردن فشار به انقلاب اسلامی که محدودیت‌هایی برای توسعه اقتصادی کشور ایجاد کرده است، از یک سو و لزوم به‌هم‌پیوستگی و رابطه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با حوزه‌های تخصصی حقوق عمومی در راستای تحقق رشد و عدالت اجتماعی و اقتصادی، ایجاد رفاه و پویایی مبتنی بر تولید و اشتغال و اتکای ملی از سوی دیگر، ضرورت بررسی الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی را مبرهن می‌نماید. سؤال تحقیق این است که الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی در مرحله قانون‌گذاری با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی چیست؟ در پاسخ به این پرسش، یافته‌ها، بیانگر آن است که الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی در مرحله قانون‌گذاری، تصویب قوانین مؤثر، شفاف، منسجم و منقح است که کارآمدی لازم را به‌منظور عدم اجرای سلیقه‌ای قوانین و نیز بستن منافذ رانت و فساد و تبعیض داشته باشد و با فرهنگ‌سازی در سطوح عمومی از یک طرف و استفاده از تجربیات موفق دنیا و بومی‌سازی آن‌ها در کنار عزم ملی بین مسئولان و مردم از طرف دیگر، بتواند به‌عنوان راهکاری مهم برای اجرای اقتصاد مقاومتی با رویکرد الزامات حقوقی به کار گرفته شود.

سؤالی که در اینجا مدنظر می‌باشد این است که آیا واردات از کشورهای دیگر، با استقلال اقتصادی منافات دارد. به نظر می‌رسد، واردات یک کشور نه تنها منافاتی با استقلال اقتصادی ندارد، بلکه حتی در استقرار بخشیدن به این استقلال، کمک نیز می‌کند. اما آنچه منافات با استقلال

دارد وابسته بودن است، یعنی به گونه‌ای وابسته باشیم که اگر صادرات به ما را قطع کنند، زندگی مان دچار اختلال جدی شود ولی اگر واردات به حد وابستگی ضروری نباشد و دچار افراط نیز نشده باشد، هیچ منافاتی با استقلال اقتصادی ندارد. (رضایی و یآوری، ۱۳۹۴: ۱۴).

میزان و درجه استقلال و یا وابستگی بانک مرکزی به دولت، نقش تعیین کننده‌ای در چگونگی شکل‌گیری ساختار تصمیم‌گیری در هر نظام اقتصادی دارد. بانک مرکزی به‌عنوان بانک بانک‌ها و نیز بانک دولت از بازیگردانان اصلی صحنه اقتصاد هر کشور است. امکان دست‌اندازی آسان دولت در بانک مرکزی، قدرت اقتصادی دولت را به نحو چشم‌گیری افزایش و بخش‌های دیگر اقتصاد را در موضع انفعال قرار می‌دهد. قانون اساسی جمهوری اسلامی در این مورد، ساکت است و در حقیقت، این مسئله به قوانین عادی کشور واگذار شده است و آنچه هم‌اکنون جریان دارد، ارتباطی به قانون اساسی ندارد. البته ممکن است تصور شود که اختصاص بانکداری به بخش دولتی شامل بانک مرکزی نیز می‌شود و بانک مرکزی مانند دیگر بانک‌ها کاملاً در اختیار بخش دولتی خواهد بود.

در پاسخ به این مسئله، باید گفت: اولاً، عنوان «بانکداری» معمولاً بر عملیات بانکی متداول در بانک مرکزی اطلاق نمی‌شود. ثانیاً، در هر صورت، بانکداری، چه در اختیار دولت باشد یا نباشد، بانک مرکزی، بانک دولت محسوب شده، دولتی و در اختیار دولت است. آنچه مورد نظر این شاخص می‌باشد این است که دولت تا چه حد می‌تواند سیاست‌های بانک مرکزی را در جهت تأمین بودجه جاری خود تحت الشعاع، و تصمیمات بلندمدت آن را با مداخلات روزمره خود تحت تأثیر قرار دهد. (سبحانی، ۱۳۷۸: ۷).

سهم تقاضای دولت از کل تقاضا و به‌خصوص تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای، علی‌رغم رقابتی بودن اقتصاد، می‌تواند تأثیر دولت بر اقتصاد و نقش ارشادی آن را افزایش دهد. تقاضای دولت به‌عنوان تقاضای مؤثر، می‌تواند در یک بازار رقابتی به ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضا منجر شود و یا به برهم خوردن این تعادل بینجامد. در این مورد نیز قانون اساسی ساکت است. البته این بدان معنا نیست که قانون اساسی می‌توانست و یا می‌بایست سهم مشخصی از تقاضا را برای دولت تعیین کند، بلکه قانون اساسی می‌توانست از طریق تکلیف کردن و تحمیل نمودن یک سلسله خواسته‌ها، همچون لزوم سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های زیربنایی، سهم دولت از تقاضای کل را افزایش دهد. هرچند در اصل ۴۳ قانون اساسی، یکی از تأمین نیازهای اساسی، ضوابط نظام اقتصادی در جمهوری اسلامی شمرده شده، اما هیچ‌گاه تأمین این نیازها به‌طور مستقیم از دولت خواسته نشده است.

۳. رویکرد اقتصاد مقاومتی به حق بر توسعه

قانون برنامه ششم توسعه برای اجرا در سال‌های (۱۳۹۵-۱۳۹۹) تدوین گردیده است که با توجه به نتایج نامطلوب برنامه‌های پیشین، شاهد ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با در نظر گرفتن سیاست‌های گذشته خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی هستیم. در حقیقت در ساختار برنامه توسعه ششم، سیاست‌های سند چشم‌انداز همچنان مدنظر بوده اما به دلیل ناکامی‌های بیان شده در امر اقتصاد، لازم است تا بر اساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اصلاح گردد. برای این اساس اقدامات دولت با تاسی از سند اقتصاد مقاومتی همچنان حول رفع موانع تولید و بهبود فضای کسب و کار می‌باشد. علت اینکه تا به امروز با توجه به شناخت ما از شرایط، کماکان شاهد پایین بودن رشد توسعه اقتصادی هستیم به این دلیل است که مشکلات جدی در حوزه‌های مهم اقتصادی وجود دارد که امید می‌رود، مقررات زدایی بتواند موجب اصلاح در این حوزه‌ها شود.

در سیاست‌های کلی برنامه ششم، بیشترین بندها مربوط به امور اقتصادی است که با مؤلفه‌های کلیدی اقتصاد مقاومتی و علم و فناوری قابل‌بازشناسی است و ۳۱ بند این برنامه به‌طور مستقیم مربوط به امور اقتصادی است. در عین حال، در مقدمه این برنامه تأکید شده است: «سعی بر این است با بهره‌گیری از توانایی‌های انسانی و طبیعی و امکانات داخلی، الگویی از پیشرفت بومی به دست آید که برآمده از تفکرات اسلامی باشد. از این‌رو، اقتصاد یکی از مهم‌ترین منابع قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در برنامه ششم توسعه است که به‌نوعی قدرت نرم محسوب می‌گردد. (قربی و جعفری، ۱۳۹۵: ۲۵).

اما این سؤال مطرح است که آیا نتیجه مدنظر از برنامه توسعه که همانا تحقق حق توسعه خصوصاً در حوزه اقتصاد می‌باشد؛ با رویکرد اقتصاد مقاومتی در تضاد است یا خیر؟ به عبارت دیگر به این امر می‌پردازیم که ساختار اقتصاد مقاومتی با ایده مقررات زدایی منطبق می‌باشد؟ و امکان اعمال مقررات زدایی در ساختاری که با اهداف اقتصاد مقاومتی تدوین شده وجود دارد؟

در بررسی سند اقتصاد مقاومتی مشاهده می‌شود که سیاست این سند باهدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ گردیده است. همچنین اهداف تدوین این سند عبارت است از:

الف) تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

ب) پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.

پ) محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

ت) گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های موردنیاز.
ث) تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.

ج) برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به‌ویژه با کشورهای منطقه.

چ) افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق: الف- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان.
ب- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی. ج- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

ح) شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و...

در بررسی تطابق اقتصاد مقاومتی با نظریه‌های توسعه و امکان به‌کارگیری آن در برنامه توسعه، تحقیقات مختلفی صورت گرفته است که همگی مبتنی بر آن است که ایده اقتصاد مقاومتی دارای ظرفیت‌هایی است که امکان توسعه را محقق ساخته و بنابراین قابلیت تنظیم ساختار برنامه‌های توسعه بر اساس آن وجود دارد.

اما علی‌رغم نتایج مثبت تحقیقات صورت گرفته در مورد اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک الگوی توسعه، باید گفت که اجرای الگوی اقتصاد مقاومتی نیازمند شرایط و وضعیت‌هایی است از جمله مردمی کردن اقتصاد، توانمندسازی بخش خصوصی، کاهش وابستگی به نفت، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، حمایت از تولید ملی، مبارزه با مفاسد اقتصادی، مدیریت مصرف، بهره‌وری، مدیریت منابع ارزی، فعال کردن دیپلماسی اقتصادی، حفظ وحدت و انسجام ملی، بومی‌سازی فناوری و درون‌زا بودن می‌باشد. (رستمی و بهرامی پور، ۱۳۹۷: ۱۰۱) بنابراین می‌توان گفت که استفاده از ابزار مقررات‌زدایی در تدوین و اجرای برنامه ششم توسعه مغایر با اهداف و سیاست‌های پیش‌بینی شده در سند اقتصاد مقاومتی نمی‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

امروز و در پرتو اسناد حقوق بشری، اقتصاد و توسعه با یکدیگر در پیوند هستند و این پیوند بر سیاست گذاری دولت‌ها در این خصوص تأثیر گذارده است. بنابراین حق توسعه به عنوان یک حق نرم بر اقدامات دولت‌ها در تدوین سیاست‌های توسعه، در بعد ملی و همچنین همکاری‌های آنان در بعد بین‌المللی با سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تمرکز دارد. از جمله مواردی که در اسناد مرتبط با حق توسعه خصوصاً اعلامیه حق بر توسعه به آن اشاره شده است، توسعه اقتصادی می‌باشد. اگرچه در فرآیند حق بر توسعه تنها رشد اقتصادی مدنظر نیست بلکه در کنار آن تحقق کامل همه حقوق بشر مدنظر است با این وصف اهمیت رشد و توسعه اقتصادی از سایر مؤلفه‌های حق بر توسعه بیشتر است. در این بین تحریم‌های آمریکا منجر به آن شده تا سیاست‌های اقتصادی ایران به سمت اقتصاد مقاومتی سوق یابد.

پیرامون ارتباط اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار نیز می‌توان گفت، میان سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و اهداف توسعه، شباهت‌های بسیاری وجود دارد. این شباهت‌ها بدین معنا نیست که لزوماً نصوص هر دو سند یکسان باشد، بلکه اهداف این دو سند در موارد ذیل به هم شباهت دارد. در عین حال تفاوت‌هایی نیز میان این دو سند وجود دارد. برخی از این تفاوت‌ها این است که بعضی از موضوعات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به هیچ وجه در سند توسعه پایدار مورد اشاره قرار نگرفته است و برخی دیگر، تفاوت‌هایی هستند که هر دو سند در موضوع با یکدیگر یکسان‌اند. اما مهم‌ترین تفاوت، ایدئولوژی و فرهنگ متفاوت این اسناد در رسیدن به اهداف پیشرفت و توسعه است.

برخلاف اقتصاد مقاومتی، فرهنگ معنوی و بومی و لزوم ارتباط آن با مقوله اقتصاد در سند توسعه پایدار مشاهده نمی‌شود. اقتصاد و توسعه، جزئی از فرهنگ و تحت تأثیر آن است و نمی‌توان این دو را برخلاف تدوین کنندگان سند توسعه پایدار از یکدیگر منفک دانست. همچنین مبانی نظری اقتصاد مقاومتی مبتنی بر عزت مسلمین، حرمت دوستی با کفار، پرهیز از اسراف و تبذیر و حرمت تشبه به کفار استوار است. همچنین قاعده نفی سبیل و قاعده نفی غرر، قاعده نفی عسر و حرج، قاعده حفظ اسلام، قاعده لزوم اعداد و ارقام، قاعده حکم حکومتی، قاعده اهم و مهم و همچنین آیه و اعدو لهم ماستطعم من قوه، المومنون عند شروطهم، به عنوان مبانی برای تحلیل اقتصاد مقاومتی قابل توجه می‌باشد. در بررسی سند اقتصاد مقاومتی مشاهده می‌شود که سیاست این سند باهدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ گردیده است. همچنین در بررسی تطابق اقتصاد مقاومتی با نظریه‌های توسعه و امکان به کارگیری آن در برنامه توسعه، تحقیقات مختلفی صورت

گرفته است که همگی مبتنی بر آن است که ایده اقتصاد مقاومتی دارای ظرفیت‌هایی است که امکان توسعه را محقق ساخته و بنابراین قابلیت تنظیم ساختار برنامه‌های توسعه بر اساس آن وجود دارد. در مورد اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک الگوی توسعه، باید گفت که اجرای الگوی اقتصاد مقاومتی نیازمند شرایط و وضعیت‌هایی است؛ از جمله مردمی کردن اقتصاد، توانمندسازی بخش خصوصی، کاهش وابستگی به نفت، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، حمایت از تولید ملی، مبارزه با مفاسد اقتصادی، مدیریت مصرف، بهره‌وری، مدیریت منابع ارزی، فعال کردن دیپلماسی اقتصادی، حفظ وحدت و انسجام ملی، بومی‌سازی فناوری و درون‌زا بودن، می‌باشد.

منابع

- آجیلی، هادی. (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی. علوم سیاسی، ۹(۲۴)، ۱۰۵ - ۸۷
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=239962>
- پژوهنده، محمدحسین. (۱۳۹۴). موانع تحقق اقتصاد مقاومتی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۲۱(۱۰۶)، ۲۳۸ - ۱۸۵
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=254392>
- حیدری چیان، رحیم؛ کریمی، سونیا. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی شاخص ایران، توسعه‌های انسانی مالزی و ترکیه با تأکید بر شاخص اقتصادی در دهه اخیر (۲۰۰۴-۲۰۱۳). مجله اقتصادی، (۱ و ۲)، ۲۲ - ۵.
<http://ensani.ir/fa/article/340037/>
- حبیب زاده، توکل؛ سیفی، حافظه. (۱۳۹۲). تأثیر حکمرانی مطلوب بر اجرایی شدن حق بر توسعه با تأکید بر بعد ملی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۸(۶۲)، ۳۸ - ۱۱.
<https://jlvviews.uisas.ac.ir/article-1-203-fa.html>
- راعی، مسعود. (۱۳۸۰). جایگاه حق توسعه در حقوق بشر معاصر. معرفت، (۴۹)، ۲۷ - ۱۶.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/12521/>
- رضایی، محمد؛ یوری، کاظم؛ عزتی، مرتضی؛ اعتصامی، منصور. (۱۳۹۴). بررسی اثر وفور منابع طبیعی (نفت و گاز) بر سرکوب مالی و رشد اقتصادی از کانال اثرگذاری بر توزیع درآمد. اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط‌زیست و انرژی)، ۴(۱۴)، ۱۲۲ - ۸۹
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=244472>
- رستمی، فرزاد؛ بهرامی پور، فرشته. (۱۳۹۷). بررسی ماهیت اقتصاد مقاومتی و نظریه‌های توسعه اقتصادی. مجله اقتصادی، ۱۸(۱ و ۲)، ۱۱۶ - ۹۵.
http://ejip.ir/browse.php?a_code=A-10-747-11&sid=1&slc_lang=fa
- روشن نیا، احسان. (۱۳۹۳). مبانی فقهی اقتصاد مقاومتی و تأکید بر تولید داخلی. پایان‌نامه وزارت علوم تحقیقات و فناوری - دانشگاه قم - دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۷۸). سیمای اقتصاد اسلامی. مؤسسه امام صادق.
- شیروی، عبدالحسین؛ خداپرست، ناصر. (۱۳۹۸). اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار: شباهت‌ها و تفاوت‌ها. مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، ۴۹(۱)، ۲۷۰ - ۲۴۹.
<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=360449>
- شیخ ابومسعودی، عباس. (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل. انتشارات ارکان دانش.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد. (۱۴۱۷). ریاض المسائل (ط الحدیثه). ۱۶ جلد. مؤسسه آل البیت (ع).
- طرح پژوهشی دانشگاه علم و صنعت. (۱۳۹۳). توسعه انسانی: مفهوم و عملکرد آن در ایران و جایگاه بین‌المللی، منطقه‌ای و توزیع استانی. ماهنامه کار و جامعه، (۱۶۸)، ۲۶ - ۱۹.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1053273/>
- قربی، سید محمدجواد؛ جعفری، علی اکبر. (۱۳۹۵). منابع قدرت نرم در سیاست‌های کلی نظام، مورد کاوی سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۵(۱۹)، ۴۴ - ۷.
<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=286433>



- قنبرلو، عبدالله. (۱۳۸۵). ثبات هژمونیک در استراتژی اقتصادی - نظامی ایالات متحده آمریکا. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۹ (۳۴)، ۹۰۰ - ۸۵۷.

http://quarterly.risstudies.org/article_967.html

- میرمعزی، سیدحسن. (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن: با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۲ (۴۷)، ۷۶ - ۴۹.

<http://ensani.ir/fa/article/331904/>

- معین، محمد. (۱۳۶۱). فرهنگ معین. انتشارات امیرکبیر.

- نوفرستی، محمد. (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی و راه‌های دستیابی به آن. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۴، ۱۶۸ - ۱۵۷.

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=278532>

- Andreassen, Bård. (2010) The Right to Development and Legal Empowerment of the Poor. *The Bangladesh Development Studies*, 33, 89.

<https://doi.org/10.1093/oso/9780192866578.003.0006>

- Arts, Karin; Tamo, Atabongawung. (2016). The Right to Development in International Law: New Momentum Thirty Years Down the Line?. *Netherlands International Law Review*, 63(3), 221-249.

<https://link.springer.com/article/10.1007/s40802-016-0066-x>

- Kirchmeier, Felix; Luke, Monika; Kall, Britt. (2008). *Towards the Implementation of the Right to Development*. Friedrich-Ebert-Stiftung.

- Kardos, Mihaela. (2012). *The reflection of good governance in sustainable development strategies*. Procedia - Social and Behavioral Sciences.

- Ogus, Anthony. (2004). *Regulation: Legal Form and Economic Theory*. Oxford: Oxford University Press.